[فهرست مطالب 1](#_Toc427837507)

[خطبه اول 2](#_Toc427837508)

[نکاتی درباره‏ی تاریخ اسلام 2](#_Toc427837509)

[ولایت و امامت بعد از امام علی (ع) 3](#_Toc427837510)

[تکلیف الهی 3](#_Toc427837511)

[خروج امام حسین(ع)از مدینه 4](#_Toc427837512)

[آگاهی امام حسین(ع) از امور غیب 5](#_Toc427837513)

[خصوصیات شام در زمان امام حسن (ع) 6](#_Toc427837514)

[ضعف‌ها و خصوصیات کوفه در زمان امام حسن (ع) 6](#_Toc427837515)

[ذکر مصیبت 7](#_Toc427837516)

[خطبه دوم 8](#_Toc427837517)

[اهداف بنی امیه 8](#_Toc427837518)

[نکات تاریخی درباره کوفه 9](#_Toc427837519)

[مفاد صلح‌نامه 10](#_Toc427837520)

[شهادت امام حسن (ع) و به امامت رسیدن امام حسین (ع) 10](#_Toc427837521)

[به حکومت رسیدن یزید 11](#_Toc427837522)

[خصوصیات یزید در زمان خلافت 11](#_Toc427837523)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم. «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ[[2]](#footnote-2)» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# نکاتی درباره‎ی تاریخ اسلام

اسلام در مدت کوتاهی با سختی‌ها و دلاوری‌های پیامبر (ص)، جهان را تحت شعاع نورانیت و دانش خود قرارداد. بعد از پیامبر (ص) گرچه به‌ظاهر راه ایشان ادامه یافت لیکن نکتهٔ اصلی پیامبر اکرم (ص) که ولایت بود در مسیر انحرافی قرار گرفت. تا جایی که دشمن خیال محو کامل جریان ولایت و امامت را داشت ولی با نهضت عاشورا و حرکت امام حسین (ع) از تحقق این خیال جلوگیری شد. در جریان عاشورا دشمنان این نهضت گمان می‌کردند خودشان در این جنگ پیروز شدند، البته خدا این‌گونه نخواست و امام حسین با شهادت خود، اهل‌بیت و اصحابش گمان آنان را به یأس تبدیل کرد. زمانی که معاویه به‌ظاهر بر امیرالمؤمنین پیروز شد و حضرت علی (ع) خانه‌نشین شد و این مظلومیت تا زمان امام حسن مجتبی (ع) استمرار پیدا کرد طوری که مظلومیت ایشان کم از مظلومیت امام حسین (ع) نداشت. بعد از پیامبر دو محور در اسلام به وقوع پیوست، در زمان خلافت امام علی (ع) دو محور در دنیای اسلام وجود دارد که رویاروی هم قرار دارد، یکی کانون شام است که مرکز حکومت معاویه است، یکی هم کانون کوفه و عراق است که در ابتدا مرکز نظامی و بعد مرکز سیاسی شد. این دو کانون مقابل هم قرار گرفتند و جنگ بین ای دو کانون شد.

# ولایت و امامت بعد از امام علی (ع)

آیندهٔ اسلام به این ترسیم می‌شود که کانون شام یا کانون کوفه (حضرت علی (ع)) پیروز می‌شود. خط سیر این دو کانون را باید دنبال کرد تا آیندهٔ اسلام را شناخت. امیرالمؤمنین که به شهادت رسید وضعیتی در کوفه و شام حاکم شد. در این کاری که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) انجام دادند هر دو یک هدف را دنبال می‌کردند، گاهی تصوراتی اشتباه دربارهٔ صلح امام حسن (ع) و امام حسین (ع) جنگ نمود به این‌گونه که العیاذ بالله امام حسن (ع) درراه اسلام کوتاه آمد و امام حسین (ع) تندروی نمود. این تصورات اشتباهی است که در ذهن برخی آمده بود. در ساحت مقدس خاندان اهل‌بیت (ع) سکوت و جنگ برای خدا و اسلام است. کندی یا تندی درراه هدف هیچ فرقی ندارد. انسانی در این دنیا مسلم واقعی است که بندهٔ تکلیف باشد. بندهٔ تکلیف بودن مراتبی دارد. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم تکلیف و وظیفه برآیند خطوط کلی است که ابلاغ و ترسیم می‌کند و شناخت زمان، مکان و موقعیت‌های موجود است که وقتی این دو باهم آمیخته می‌شوند، نتیجهٔ آن تکلیف می‌شود. به‌عنوان‌مثال ممکن است فردی سیاستمداری باشد که دربند احکام الهی نباشد، و با فوت‌وفن‌های سیاسی‌کار می‌کند؛ چنین شخصی تکلیف الهی را انجام نمی‌دهد. از سوی دیگر امکان دارد شخصی واقعاً متدین باشد، ولی اصلاً زمان، مکان و موقعیت خود را نشناسد. چنین شخصی هم تماماً تکلیف الهی را انجام نمی‌دهد.

# تکلیف الهی

تکلیف الهی یک‌طرف قضیه‌اش به موقعیت‌ها و زمان و مکان اجتماعی ارتباط دارد. بنابراین تکلیف، مرکب از دو عنصر است:1. خطوط و موانع کلی که خدا ابلاغ و در اخلاق و فقه بیان می‌دارد.2. عنصر دوم تکلیف، زمان و مکان است. بنابراین تکلیف هر شخص، قوانین و مقرراتی است که از خدا می‌گیریم و با شرایط و مقتضیات زمان خویش تطبیق داده است و بر اساس آن عمل می‌کند. اگر بخواهیم تکلیفمان را به‌درستی انجام دهیم باید جامعه و شرایط، زمان و اقتضائات آن را بشناسیم. تکلیف نه یک مسئلهٔ آسمانی است و نه صرفاً فقط فوت‌وفن‌های سیاسی که سیاستمداران اتخاذ می‌کنند. تکلیف شناخت زمان و مکان و شرایط است همان‌گونه که در فقه هم آمده است. در ائمهٔ معصوم (ع) تکلیف صدق دارد ولی با این تفاوت که دو عنصر شناخت قوانین الهی و زمان امکان در آن‌ها تضمین‌شده است و شک و تردیدی در آن‌ها راه ندارد. اگر ما به این دو نکته توجه کنیم و متوجه باشیم که ائمه (ع) بر اساس تکلیف عمل می‌کنند و تکلیف بر دوپایه استوار و آن‌ها بر هر دوپایهٔ آن عصمت دارند. وقتی ما می‌گوییم امام معصوم است، یعنی در هر دو زمینه عصمت دارد، هم شناخت و انتقال قوانین الهی به جامعه و هم شناخت مکان و زمان موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه اشراف کامل دارند. بنابراین اگر ما این مقدمات را در نظر بگیریم نتیجه می‌گیریم، تصمیماتی که ائمه اطهار (ع) در همهٔ ابعاد گرفتند، سیره و تصمیماتی تضمین‌شده بوده است. البته تطبیق سیرهٔ ائمه در زمان و مکان ما یک مسئلهٔ اجتهادی است. تشخیص و تطبیق این‌گونه موارد بر عهدهٔ رهبری است و هرکسی قادر به این تطبیق و تشخیص نیست. اگر این مقدمات را در سیرهٔ ائمه (ع) در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که تصمیم امام حسن (ع) و امام حسین (ع) باهم هیچ تفاوتی ندارد. روایاتی از پیامبر اکرم (ص) نقل‌شده است؛ فرمودند: **«حسن و حسین اِمامانِ قاما اَوْ قَعَدا»[[3]](#footnote-3)** حسن و حسین امام و جانشین من هستند چه قیام کنند یا نکنند. این چیزی است که حضرت رسول (ص) نقل کردند و واقعیت مسئله هم همین است. اگر ما خوب دقت کنیم نتیجه‌ای که ما می‌توانیم بگیریم این است؛ که امام حسن (ع) قیام نکرد و امام حسین (ع) قیام کرد، این دو حرکت قائم به هدفی بودند. مسئله دیگری که در پیش روی است این است که گاهی در تحلیل انقلاب امام حسین (ع) مورد اختلاف است و گاهی هم بحث شده است، همچنین در اویل سال‌های انقلاب هم بحث داغی بود تحت کتاب شهید جاوید، نویسنده این کتاب، آقای صالحی نجف‌آبادی است، ایشان مطلبی را نوشتند که به خاطر آن مطلب بسیار منازعه و کشمکش به وجود آمد. بحث این بود، هنگامی‌که امام حسین (ع) در اواخر رجب سال 60 هجری قمری از مدینه خارج شد.

# خروج امام حسین (ع) از مدینه

خروجش امام حسین (ع) به چه دلیل بود. برای اینکه حکومت تشکیل بدهد یا برای اینکه به شهادت برسد. کدام‌یک از این دو مسئله بود. در اینجا یک مسئله‌ای وجود دارد که ابهامات و ایهاماتی در آن کتاب وجود دارد که باطل است. بعضی‌ها گمان می‌کنند که امام حسین (ع) صرفاً انسانی سیاسی بود که العیاذ بالله آگاه به عواقب امور بادید غیبی نبود که باطل است. این گمانی هست که گاهی تصور شده است که گمان کنیم، امام حسین (ع) برای حکومت خروج کرد و به عواقب امور و شهادت خویش مطلع نبود. این مسئله با توجه به عصمت امام (ع) و آگاهی از عواقب امور باطل است. یکی از اعتقادات اصلی و اساس شیعه، علم غیب امام است که در این رابطه روایات زیادی واردشده است. حتی غیر معصومین هم ممکن است به مراتبی از آگاهی به امور غیبی دست یابند. اصل علم غیب امام و احاطه بر مسائل و عواقب امور مسئله‌ای است که ازنظر شیعه مسلم است. مسئله دیگری که در اینجا مطرح است در خصوص امام حسین (ع) آگاهی اجمالی در جامعهٔ اسلامی در واقعهٔ کربلا وجود داشت. این‌طور نبود که دراین‌باره هیچ‌کس اطلاعی نداشته باشد همان‌طور که می‌دانید پیامبر (ص) و امام علی (ع) از واقعهٔ عاشورا و شهادت امام حسین خبر می‌دادند و کسانی بودند که از این واقعه مطلع شده بودند. با توجه به این نکته سؤالی که پیش می‌آید این است که امام حسین برای حکومت یا شهادت خروج کرد؟ جواب این پرسش این است که اگر ما با یک دید کلی بنگریم، ائمه برای حکومت کار می‌کردند این‌یک اصل ثابت محفوظی است، به این معنی که آرمان اصلی پیامبر (ص) و ائمهٔ اطهار (ع) تشکیل حکومت الهی و اسلامی بود. ائمهٔ اطهار هیچ‌گاه این هدف را فراموش نکردند، گاهی مخفیانه و گاهی آشکارا درصدد تشکیل حکومت الهی بودند و آن را ابراز می‌کردند. همین امر منشأ برخوردهای خونین و ظالمانه‌ای بود که در طول تاریخ بر ائمهٔ اطهار (ع) روا می‌داشتند.

# آگاهی امام حسین (ع) از امور غیب

در رابطه با امام حسین (ع)، ایشان با توجه به آگاهی به امور غیبی و همچنین تشکیل حکومت اسلامی، از شهادت خویش مطلع بودند. و این مسئله امام حسین (ع) برای یک هدف که همان تشکیل حکومت اسلامی است گام بردارد و عاقبتش شهادت است، باهم هیچ منافاتی ندارد. در جنگ صفین، در معرکه جنگ حضرت علی (ع) خطبه می‌خواند و مردم را به جنگ دعوت می‌کرد، در همان‌جا یکی از صحابه که در نزدیکی امام بود، امام به ایشان فهماند ما به نتیجه‌ای که در جنگ صفین انتظارش راداریم، نمی‌رسیم. این نکته نشان‌دهندهٔ این موضوع است که حضرت تا آخرین لحظات از جنگ دست برنکشید و از طرفی هم احاطهٔ غیبی بر نتیجهٔ کار داشت. در جریان امام حسین (ع) همین‌طور است. همهٔ معصومین (ع) یک هدف کلی که همان تشکیل حکومت الهی بود را دنبال می‌کردند اما در کنار این‌یک هدف دیگری نیز وجود داشت، و آن بقای جریان تشیع و ولایت است که آن را تعقیب می‌کردند. همان‌طوری که امیرالمؤمنین (ع) بعد از پیامبر عمل می‌کردند که حق باقی بماند ضمن اینکه مصالح کلی جامعهٔ اسلام هم باقی بماند. حفظ کلی خانوادهٔ اسلام یک مسئله، و بقای جریان حق، مسئلهٔ دیگری بود. ائمه این دو مسئله را باهم جمع می‌کردند. واقعیت این است که ائمه این دو مسئله را حفظ کردند. بنابراین ائمه دو استراتژی را دنبال می‌کردند؛ 1. وصول و دستیابی به حکومت به رهبری خودشان 2. حفظ جریان حق و تشیع ولو در حد اندیشه و افکار جامعه.

با توجه به این مقدمات و نکاتی که گفته شد، هنگامی‌که حضرت علی (ع) به شهادت می‌رسند، با توجه به شرایطی که در شام و کوفه حاکم است، که این شرایط روش‌های خاص و جدیدی را می‌طلبد و امام حسن (ع) این روش‌های جدید را پیاده نمودند.

# خصوصیات شام در زمان امام حسن (ع)

1. شام دیر به جرگهٔ اسلام پیوست.
2. شام از مرکز تعلیمات پیامبر اکرم (ص) دور بود.
3. شام از همان ابتدا که وارد دنیای اسلام شد، حاکمیتی خلف در آنجا حکم‌فرما بود. عمدهٔ کسانی که در شام بودند مخالف علویان بودند و عمدتاً از امویان بودند. معاویه هم تبلیغات وسیعی علیه اهل‌بیت (ع) به راه انداخته بود و مردم را از آشنایی با اهل‌بیت (ع) دور می‌ساخت. تا جایی که خبر شهادت امام علی (ع) در محراب نماز به شامیان رسید، کسانی حتی باور نمی‌کردند که اهل‌بیت (ع) نماز می‌خواندند. و این عمق تبلیغات را علیه اهل‌بیت (ع) را نشان می‌دهد.
4. شام در جریان جنگ صفین، احساس پیروزی کرد، البته در خود جنگ به پیروزی نرسیدند ولی روند بعد از جنگ و عمل خوارج موجب پیروزی آنان شد.
5. داشتن بودجه و خراج بسیاری که کسب می‌کردند و ازنظر اقتصادی شام بسیار قدرتمند بود.

این عوامل موجب این شد که در شام استحکام قدرتی به وجود بیاید. البته این عوامل قدرت اهمیت پیدا نمی‌کرد اگر ضعف در کوفه پدید نمی‌آمد به‌عنوان نمونه وقتی‌که در زمان پیامبر جنگی با کفار روی می‌داد، مسلمانان ازنظر نظامی قدرتی نداشتند ولی باایمان تمام بر کفار پیروز می‌شدند.

# ضعف‌ها و خصوصیات کوفه در زمان امام حسن (ع)

1. معاویه در کوفه نفوذ بسیاری داشت؛ مزدورانی که برای معاویه کار می‌کردند و .... نفوذ معاویه را در کوفه بیش‌ازپیش کرده بود. و ازنظر روانی کوفه آسیب‌پذیر شده بود.
2. ایمان و معنویت در کوفه سست شده بود. جنگ‌هایی که در زمان حضرت علی (ع) به وجود آمده بود با توجه به سستی ایمان مردم کوفه، موجب خستگی این مردم شد و از طرفی جنگ‌های حضرت علی، جنگ‌های داخلی بود.
3. به شهادت رسیدن امام علی (ع) در کوفه ضربهٔ روانی را به کوفه وارد ساخت.

در اوضاعی که در شام نقاط قوت و در کوفه نقاط ضعفی این‌چنین دارند، امام حسن در کوفه به امامت می‌رسد. امام حسن (ع) در این شرایط برای اتمام‌حجت در نخیله، اطراف کوفه لشکری را بسیج و اعزام کرد. منتها وقتی‌که امام حسن (ع) در آنجا رفت، لشکریان امام حسن (ع)، آن حضرت را تنها گذاشتند و چندین تن از سران لشکر امام را معاویه با پول خرید. امام در ابتدا قیام کرد وقتی‌که دید این لشکر یارای مقابله با معاویه و لشکریانش را ندارند، با شرایطی صلح را پذیرفت. در مورد امام حسین (ع) همین صادق است. بعد از امام حسن (ع) ده سال امام حسین (ع) مفاد صلح را کاملاً رعایت کرد. یزید که بر روی کارآمد قیام نمود. این نشان‌دهندهٔ این موضوع بود که هر دو امام به دنبال وظیفه بودند. امام حسن (ع) با توجه به هدف دوم، مفاد صلح را امضاء نمود و به‌این‌ترتیب دوره جدید شروع می‌شود و دوران بسیار غمباری برای امام حسن (ع) شروع شد.

# ذکر مصیبت

**«السلام علیک یا اباعبدلله و علی الارواح آلتی حلت بفنائک، السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره و الوتر الموتور، اشهد آنک قد اقمت الصلاة و آتیت الزکاة و امر بالمعروف و نهیت عن المنکر»**

یکی از صحنه‌های بسیار دل‌خراش عاشورا، صحنهٔ به شهادت رسیدن حضرت ابوالفضل (ع) است، می‌دانیم که حضرت عباس (ع) پرچم‌دار لشکر بود و کسی که پرچم‌دار است به‌زودی به میدان جنگ نمی‌رود. در خاندان اهل‌بیت (ع) در عاشورا ابتدا حضرت علی‌اکبر (ع)، حضرت قاسم و ... به شهادت رسیدند. ازیک‌طرف در خیمه‌ها بچه‌های خردسال از تشنگی در حال بی‌تابی‌اند (بنا بر قول‌هایی اواخر تیرماه یا اوایل مرداد بود) گاهی اوقات هم می‌شد که بچه‌ها و حضرت زینب (س) از خیمه‌ها بیرون می‌آمدند و امام حسین (ع) جلوی آن‌ها را می‌گرفت، به این دلیل که بچه‌ها شهدا را ببینند، دچار ترس نشوند. به‌هرحال هنگامی‌که نزدیک ظهر می‌شود، بچه‌ها و بانوان در خیمه‌ها متوجه می‌شوند همه به شهادت رسیدند. در این هنگام که حضرت عباس (ع) به خیمه‌ها مراجعه می‌کند و لب‌های خشکیدهٔ کودکان را می‌بیند، تاب نمی‌آورد و خدمت امام می‌رود و برای آب، نه برای جنگ اذن می‌گیرد. اگر این صحنه خوب مجسم شود، در یک‌طرف قتلگاه شهدا و ازیک‌طرف، کودکان وزنان در انتظار آب هستند. امام حسین در این میان نظاره‌گر است. حضرت عباس (ع) به سمت علقمه که راه می‌افتد، حمله‌هایی به ایشان می‌شود و حضرت تمام این حمله‌ها را دفع می‌کند و زمانی که خواست آب را بخورد به یاد لب‌های خشکیدهٔ کودکان امام افتاد لذا آب را نخورد و آب را روی آب انداخت. مشک را از آب پر کرد و به‌سوی خیمه‌گاه با شتاب رفت. ملعونی دست راست حضرت عباس (ع) را قطع کرد و سپس دست چپ حضرت قطع شد. سپس شمشیری فرق مبارک حضرت ابوالفضل (ع) را شکافت و حضرت نقش زمین شد. امام حسین (ع) وقتی این صحنه را مشاهده می‌کند با شتاب به سمت حضرت عباس (ع) می‌آید و می‌فرماید: **«الان انکسر ظهری و قلت حیلتی» [[4]](#footnote-4)**اکنون پشت من شکست، برادر من به شهادت رسید.

**«نَسئَلُک اَلّلهُمَ و نَدعُوک بِاسمِکَ العَظیمِ الاَعظَم الاَعَزِ الاجل الاَکرَم یا الله.»**

**«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِیقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیةِ وَ صِدْقَ النِّیةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ»[[5]](#footnote-5)**

خدایا دل‌های ما را به نور ایمان و معرفت منور بفرما! ما را از عاشقان واقعی اباعبدالله (ع) قرار بده! خدایا به ما توفیق عرفان امام حسین (ع) عنایت بفرما!....

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[6]](#footnote-6) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# اهداف بنی امیه

عرض کردیم که در مدینه و در زمان پیغمبر اکرم (ص) به‌تدریج اموی‌ها با دسیسه، به دست گرفتن خلافت جامعه را طراحی کردند. چند گروه بودند که بعد از پیامبر خلافت را منحرف کنند که این گروه‌ها یا به‌طور مستقیم ارتباط با بنی‌امیه داشتند یا اگر غیرمستقیم هم بود عملاً بنی‌امیه بازیرکی خاص و سیاستی که داشتند همهٔ تحولات را به نفع خودشان می‌کردند. بعد از پیامبر اکرم (ص) نقش بنی‌امیه در انحراف خلافت برجسته است. تا زمان ابوسفیان نقشه از میان برداشتن پیامبر را می‌کشیدند ولی بعد از فتح مکّه دریافتند که به‌آسانی نمی‌توان پیامبر را از میان برد. لذا چهره عوض کردند و نقشهٔ به دست گرفتن خلافت را در سر کشیدند. خاندان بنی‌امیه دو هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت داشتند. هدف کوتاه‌مدت بنی‌امیه به دست‌گیری امور وزمام خلافت بود و هدف بلندمدت و نهایی بنی‌امیه برچیدن اصل دین بود. به‌عنوان نمونه برای این ادعا: در جریان صلح امام حسن (ع) وقتی معاویه به مدینه آمده بود و از مدینه که برمی‌گردد و به نخیله می‌رسد، در آنجا خطابه‌ای می‌خواند و می‌گوید من برای حکومت جنگیدم و همهٔ آنچه را که در صلح‌نامه نوشتم زیر پاهایم است و به دین کاری ندارم و فقط برای حکومت آمده‌ام.از آن صریح‌تر گفتهٔ یزید است زمانی که سر امام حسین (ع) را در مجلس یزید آوردند و یزید ملعون با چوب خیزران بر لب مبارک آن حضرت می‌زدند. ملعون گفت: **«لَعِبتْ هاشمُ بِالمُلک فَلا خَبَرٌ جاءَ وَلا وَحْیٌ نَزَلْ»[[7]](#footnote-7)** هاشمیان با حکومت بازی می‌کردند، نه خبری (از آسمان غیب) آمده و نه وحی نازل شده است. یزید هدف اصلی ابوسفیان و معاویه و خودش را در آن حالت بیان کرد. و شواهد دیگری هم است که در کوتاه‌مدت به خلافت رسیدن و در درازمدت محو دین را در نظر داشتند. به‌تدریج حاکمیت پیدا می‌کنند و قضیه عثمان پیش می‌آید و بعد پیراهن عثمان برای آن‌ها بهانه‌ای شد که بعدازآن در هر جریانی پیراهن عثمان را پیش می‌کشیدند، در واقعهٔ عاشورا هم، وقتی یزید برای جنگ با امام حسین (ع) به ابن زیاد نامه می‌نویسد برای جنگ، شما آب را بر امام حسین (ع) ببندید و ... همان‌گونه که عثمان را کشتند. در قضیهٔ عثمان هم وقتی عثمان به معاویه نامه‌ای نوشت که لشکری برای یاری من بفرستید. معاویه هیچ لشکری نفرستاد منتها زمانی که فهمید از قضیه عثمان می‌تواند بهانه‌ای برای رسیدن به اهداف خودش استفاده کند، این قضیه را بزرگ کرد.

# نکات تاریخی درباره کوفه

نکاتی که در بالا گفتیم همه دست‌به‌دست هم دادند و موجب صلح امام حسن (ع) شد. در مورد کوفه، این نکته را هم باید اضافه کنیم که کوفه در زمان عمر تأسیس شد (سنه 17 هجری قمری). کوفه یک اردوگاه نظامی بود که لشکرها در آنجا می‌رفتند و ازآنجا به جنگ‌ها منتقل می‌شدند. هنگامی‌که کوفه تأسیس شد یک شهر بومی نبود و دارای جناح‌ها و گروه‌های سیاسی زیادی بود. یکی از نکاتی که در شرایط صلح امام حسن (ع) مؤثر بود، خوارج در کوفه نفوذ بسیاری بود. نکته‌ای دیگر در مورد کوفه این است که عمر یهودیان و گروه‌هایی را قبلاً به کوفه تبعید کرده بود و این گروه‌ها هم در کوفه سکنی داشتند. با این اوصاف کوفه مجموعه‌ای از گروه‌هایی شامل؛ خوارج، نصاری، یهود و... بود. از آن‌طرف هم کسانی که اطراف امیرالمؤمنین بود افرادی سست‌عنصر بودند. با این مجموعه در سال 40 هجری قمری مواجه با چنین اوضاع به‌هم‌ریختهٔ اجتماعی بود که جمع‌کردن آن کار ساده‌ای نبود و در آن‌طرف قضیه معاویه باقدرت شام بود. ابتدا مردم با امام حسن (ع) بیعت می‌کنند ولی در میان راه امام را تنها می‌گذارند. حجر بن عدی با یک لحن تندی با امام حسن (ع) گفت: تو ما را العیاذ بالله ذلیل کردی، صلح کردی و ... امام حسن (ع) فرمود: اگر من به تعداد انگشتان یا یک گروهی محدود مانند تو داشتم این کار را نمی‌کردم، بعد حجر آرام شد.

# مفاد صلح‌نامه

حسن بن علی (ع) با معاویه بن ابوسفیان قرارداد صلحی می‌بندند مبنی بر این‌که:

1. معاویه متعرض به شیعیان نشود.
2. شیعیان در کوفه و عراق آزادی داشته باشند.
3. در منبرها و اذان‌ها امام علی (ع) مورد لعن قرار نگیرد.
4. و مفادی چنین ...

یکی از نکاتی که دربندها و مفاد صلح‌نامهٔ امام حسن آمده و تأکید بر آن نیز شده است این است که: معاویه حکومت را بعد از خودش به کسی نسپارد. بااین‌وجود معاویه به این بند تعهد نکرد و یزید را جانشین خود ساخت. به همین علت امام حسین (ع) علاوه بر حجت‌های دیگر، حجت سیاسی و تاریخی داشت که قیام کند.

# شهادت امام حسن (ع) و به امامت رسیدن امام حسین (ع)

امام حسن (ع) در سال 40 هجری صلح‌نامه را امضا کرد و در سال 50 هجری به شهادت رسید. در بین این سال‌ها، امام حسن (ع) در کوفه بود و دوباره به مدینه بازگشتند. در این ده سالی که امام حسن (ع) امامت داشت، معاویه به مفاد صلح‌نامه عمل نکرد، و علاوه بر آن به تبلیغات وسیعی علیه امام علی (ع) و علویان پرداخت. این جریان استمرار پیدا می‌کند و در سال 50 هجری با نقشهٔ معاویه، امام حسن (ع) به شهادت می‌رسد و امام حسین (ع) به امامت می‌رسد. از سال 50 تا 60 هجری امام حسین (ع) را امامت دارد و به مفاد صلح‌نامه تعهد می‌کند. امام حسین (ع) از دههٔ 50 تا 60 هجری همان رفتاری را می‌کند که امام حسن (ع) در دههٔ 40 تا 50 هجری انجام داد. در این دو دهه صلح بود. در سال 60 هجری معاویه به هلاکت می‌رسد و معاویه از چند سال قبل از مرگ خود تمهیداتی ایجاد کرد که یزید بعد از او به خلافت برسد.

# به حکومت رسیدن یزید

اطرافیان معاویه، او را از این کار منع می‌کردند چراکه یزید اهل شرب خمر، فساد و ... بود. با این اوصاف، معاویه با مکر و حیله تمهیداتی اتخاذ کرد که یزید به خلافت برسد به‌عنوان‌مثال؛ ابن زیاد را مأمور کرد که به‌صورت تطمیع یا تهدید و ... بیعت برای خلافت یزید بگیرد. به‌طوری‌که به مردم می‌گوید: معاویه یزید را برای شما برگزیده است. مروان بااینکه به اخلافت یزید مخالف بود ولی معاویه مروان را به شام دعوت کرد و در شام قانع شد که طرف یزید را بگیرد و مروان به مدینه برگشت و گروهی را به دور خود جمع می‌کند و به مردم می‌گوید معاویه با مشورت شما مردم خواهان انتخاب جانشینی برای خود است. با این دروغ مردم گمان می‌کنند که حکومت دست مردم افتاده است. در پایان صحبتش اضافه می‌کند که معاویه یزید را برای شما انتخاب کرده است. با گفتن این جمله، سروصدایی در مجلس برپا می‌شود و مقابل او می‌ایستند و مروان ساکت می‌شود. به‌هرحال معاویه در نقاط مختلف، زمینه را برای خلافت یزید آماده می‌کند و با دست رد روبه‌رو می‌شوند ولی با تهدید و تطمیع و ... یزید را به خلافت معرفی می‌کند. و اهل‌بیت (ع) با خلافت یزید مخالف بودند و این جریان در سال 60 هجری اتفاق افتاد. شرایط جدیدی که در خلافت یزید به وجود آمد و موضع‌گیری‌های جدیدی را علیه یزید به وجود می‌آید. همان‌گونه عرض کردیم تکلیف تابع شرایط و مقتضیات زمان است.

# خصوصیات یزید در زمان خلافت

1. تفاوت اساسی بین یزید و معاویه بود. معاویه فردی حیله گرو اهل سیاست بود که به هیچ اصلی پایبند نبود.
2. یزید نقاط ضعف زیادی دارد که علاوه برنداشتن سیاست، نقاط ضعف ظاهری زیادی دارد.
3. عده‌ای از ظلم و جور زمان معاویه به سطوح آمده بودند. همین نکات زمینه را برای مخالفت بایزید آماده کرد.

نکتهٔ اساسی و مهمی که وجود دارد، دشمن با هیچ‌چیز جز با بیعت و تسلیم قانع نمی‌شود. شرایط جدیدی که در سال 60 هجری حکم‌فرما بود این است که یزید با هیچ‌چیزی جز تسلیم اهل‌بیت (ع) قانع نمی‌شد. و تمام سعی خود را بر این گذاشته بود که امام حسین (ع) را در فشار و تسلیم قرار دهد.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. اعراف، آیه 43** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. توبه، آیه 119** [↑](#footnote-ref-2)
3. . مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۱. عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۹۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۱. روضة الواضعین، ج ۱، ص ۱۵۹. المناقب، ج ۳، ص ۳۹۴ [↑](#footnote-ref-3)
4. .الخوارزمی، الموفق بن احمد؛ مقتل الحسین (ع)، تحقیق و تعلیق محمد السماوی، قم، مکتبة المفید، بی‌تا، صص 29-30 و الکوفی، ابن اعثم؛ الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول، ص 1991، ابن شهرآشوب؛ مناقب آل ابیطالب، قم، علامه، 1379 ق، ج 5، ص 114. [↑](#footnote-ref-4)
5. .کفعمی/ مصباح [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره آل عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-6)
7. . حیاة الامام الحسین، ج 2، ص 187، ج 3، ص 377 [↑](#footnote-ref-7)